( 147 )

هو الله

ای کنیز عزیز الهی گمان منما که فراموش شدی همیشه در نظری و زحمات و خدماتت پیش بصر و بلایا و محن و محنتت در خاطر و آوارگی و غربتت آشکار و ظاهر لهذا از حق تأیید طلبم که معین و مجیر گردد و نصیر و دستگیر شود بلکه انشآء الله ایام باقیه را براحت و رفاهیت بگذرانی و ببشارات الهیه مستبشر باشی و سبب سرور و حبور اماء رحمان باشی کل را بالطاف و عنایات جمال مبارک متذکر داری و جمیع را بفیوضات ملکوت او مستبشر نمائی آن اماء رحمان جمیعا در این بساط عزیزند و در این ساحت مذکور و مشهور عبدالبهآء سر بآستان نهد و در ساحت کبریا عجز و لابه نماید و طلب عون و عنایت کند تا فیض مستمر گردد و فوز مشتهر شود جمیع را بتحیت ابدع ابهی از قبل عبدالبهآء جان و دل مسرور و مشعوف کن و علیک و علیکن البهآء الأبهی (ع ع)